

مقاله پژوهشی

ارزیابی اثر سلنیوم، متانول و اسید آسکوربیک بر برخی صفات مورفوفیزیولوژیکی گندم (*Triticum aestivum* L.) تحت سطوح مختلف آبیاری

فروزان خدایی، راضیه خلیل زاده* و خسرو عزیزی

گروه تولید و ژنتیک گیاهی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷)

چکیده

استفاده از تنظیم کننده های رشد و انجام آبیاری تکمیلی یکی از روش های بهبود عملکرد و کاهش اثرات مضر ناشی از تنش خشکی به شمار می رود. آزمایش به صورت اسپلیت پلات در قالب طرح بلوک های کاملاً تصادفی در سه تکرار اجرا گردید. فاکتورهای آزمایشی شامل آبیاری در سه سطح شامل آبیاری تکمیلی در مرحله گلدهی، دانه بندی و بدون آبیاری و تنظیم کننده های رشد گیاهی در چهار سطح شامل محلول پاشی سلنیوم، اسید آسکوربیک، متانول و محلول پاشی آب به عنوان شاهد بود. تنش کم آبی سبب افزایش محتوای پرولین، قندهای محلول، هدایت الکتریکی، پروتئین دانه، انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته و ساقه و سهم آن ها در عملکرد دانه گردید، در صورتی که کاربرد تنظیم کننده های رشد محتوای قندهای محلول و پروتئین دانه را افزایش و هدایت الکتریکی و انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته و ساقه و سهم آن ها در عملکرد دانه را کاهش داد. نتایج نشان داد انجام آبیاری تکمیلی در مراحل گلدهی و دانه بندی در مقایسه با شرایط بدون آبیاری عملکرد دانه را به ترتیب ۵/۹ و ۱۲/۶ درصد افزایش داد. هم چنین محلول پاشی سلنیوم، اسید آسکوربیک و متانول در مقایسه با شاهد (محلول پاشی آب) عملکرد دانه را به ترتیب ۱/۱، ۸/۳ و ۷/۱ درصد بهبود بخشید. محلول پاشی تنظیم کننده های رشد گیاهی و انجام آبیاری تکمیلی توانسته است تا حدودی اثرات زیان بار ناشی از تنش خشکی را کاهش دهد و بنابراین می توان در راستای بهبود عملکرد و اجزای عملکرد گندم استفاده از این تنظیم کننده های رشدی و انجام آبیاری تکمیلی را تحت شرایط دیم پیشنهاد کرد.

واژه های کلیدی: آبیاری تکمیلی، پرولین، پروتئین دانه، تنظیم کننده رشد گیاهی، قندهای محلول

مقدمه

ویتامین ها، به ویژه ویتامین های گروه B و مواد معدنی از ارزش غذایی مهمی برخوردار است (Shewry and Hey, 2015). تنش خشکی رشد و بقای گیاه را در نواحی خشک محدود می کند و اثرات زیان بار شدیدی بر تولید و عملکرد محصولات کشاورزی دارد و می تواند سبب کاهش بیش از ۷۰ درصدی عملکرد گردد. تنش خشکی به واسطه ایجاد اختلال در فعالیت های بیوشیمیایی و نیز فرآیندهای فیزیولوژیکی از قبیل

غلالت یکی از منابع اولیه کالری و پروتئین است که نقش بسزایی در تأمین نیاز غذایی مردم جهان دارد. این گیاه تأمین کننده غذای اصلی بیش از ۳۶ درصد جمعیت جهان، ۲۰ درصد کالری و ۵۵ درصد کربوهیدرات ها می باشد. دانه گندم مهم ترین قسمت این گیاه محسوب می شود که به دلیل وجود کربوهیدرات ها، ترکیبات زیستی فعال، فیبرهای غذایی،

*نویسنده مسؤول، نشانی پست الکترونیکی: Khalilzadeh.r@lu.ac.ir

(Dawood *et al.*, 2013). متانول استفاده شده بر روی گیاهان سه‌کربنه خصوصاً در شرایطی با تنفس نوری زیاد می‌تواند بخشی از تلفات کربن تثبیت شده توسط فتوسنتز را جبران نماید که این امر منجر به افزایش فتوسنتز خالص در واحد سطح و بالارفتن تولید ماده خشک در گیاهان زراعی سه‌کربنه می‌شود (Ramberg *et al.*, 2002). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که کاربرد متانول سبب بهبود محتوای رنگیزه‌های فتوسنتزی (Ramberg *et al.*, 2002) و بهبود قندهای محلول در سویا (Dawood *et al.*, 2013) شد. اسید آسکوربیک یک مولکول کوچک قابل حل در آب و یک آنتی‌اکسیدان غیرآنزیمی اصلی در گیاهان است و نقش مهمی در برخی از تنش‌های اکسیداتیو ناشی از تنش‌های زیستی و غیرزیستی ایفا می‌کند. همچنین به عنوان سوبسترای اولیه در مسیرهای چرخه‌ای، برای سمیت‌زدایی و خنثی‌کردن رادیکال‌های سوپراکسید و اکسیژن منفرد نقش دارد (Sharma *et al.*, 2019). گزارش‌های مختلفی نشان داده‌اند که تیمار بذور گندم با اسید آسکوربیک موجب افزایش وزن خشک گیاه، بهبود فعالیت آنتی‌اکسیدانی، افزایش تجمع پرولین، افزایش میزان آب بافت و پایداری غشای سلولی شد (Farooq *et al.*, 2009). همچنین محلول‌پاشی اسید آسکوربیک در جو تحت شرایط تنش، بالاترین مقادیر کلروفیل *a*، *b*، کل و محتوای پرولین را در مقایسه با شاهد را به خود اختصاص داد (Noreen *et al.*, 2021). سلنیوم یکی دیگر از موادی است که در شرایط تنش خشکی برای محلول‌پاشی گیاهان توصیه می‌شود. سلنیوم یک عنصر معدنی کمیاب در طبیعت و یکی از عناصر کم‌مصرف ضروری برای سلامت انسان و حیوانات با خاصیت ضدسرطان است (Han-Wens *et al.*, 2010). سلنیوم به واسطه بهبود سیستم دفاع آنتی‌اکسیدانی آنزیمی و غیرآنزیمی باعث کاهش خسارت گونه‌های فعال اکسیژن ناشی از تنش‌های محیطی می‌شود (Nawaz *et al.*, 2015). افزایش ارتفاع بوته، تعداد سنبله در مترمربع، طول سنبله، تعداد دانه در سنبله، عملکرد دانه و پروتئین دانه گندم تحت تأثیر مصرف سلنیوم گزارش شده است (Han-Wens *et al.*, 2010).

فتوسنتز، تنفس، انتقال کربوهیدرات‌ها و جذب یون‌ها و نیز متابولیسم مواد مغذی، موجب کاهش رشد گیاه می‌شود (Azmat *et al.*, 2020). گیاهان با راه‌کارهایی از جمله تنظیم اسمزی که شامل تجمع اسمولیت‌های سازگار است از فرآیندهای سلولی خود در برابر اثرات مضر ناشی از تنش‌های محیطی محافظت می‌کنند. پرولین یکی از مهم‌ترین این تنظیم‌کننده‌های اسمزی محسوب می‌شود که انباشت آن در گیاه تحت شرایط تنش محیطی افزایش می‌یابد و موجب از بین بردن گونه‌های فعال اکسیژن، حفظ ساختار پروتئین‌ها، آنزیم‌ها و رنگیزه‌های فتوسنتزی می‌گردد (Razavizadeh *et al.*, 2009). یکی دیگر از تنظیم‌کننده‌های اسمزی قندهای محلول است که سبب حفظ فشار تورژسانس تحت تنش خشکی، هضم گونه‌های فعال اکسیژن و محافظت از غشاها و پروتئین‌ها، و افزایش پایداری غشاها می‌شود (Xu *et al.*, 2007). گزارش‌ها از افزایش محتوای پرولین (Naghavi *et al.*, 2016) و قندهای محلول (Balouchi *et al.*, 2009) در گندم تحت شرایط تنش خشکی حکایت دارد. پژوهش‌ها نشان‌دهنده افزایش میزان انتقال مجدد مواد از اندام هوایی به دانه در گندم تحت شرایط تنش خشکی است (Bahrani *et al.*, 2011). آبیاری تکمیلی شامل آبیاری گیاهان با مقدار محدودی آب در زمان عدم وجود نزولات آسمانی است و یکی از راه‌کارهای مؤثر در رسیدن به تولید پایدار در شرایط مختلف از جمله در مناطق خشک و نیمه‌خشک به شمار می‌رود که می‌تواند سبب جبران کمبود آب در خاک، افزایش کارایی مصرف آب، بهبود رشد و تولید عملکرد و نیز بهبود شرایط جهت استفاده از کودهای شیمیایی و علف‌کش‌ها گردد. میزان آب داده شده به گیاه تحت شرایط آبیاری تکمیلی به تنهایی برای تولید محصول کافی نیست، بلکه یکی از موارد ضروری در این امر استفاده توأم آب آبیاری به همراه نزولات آسمانی است (Tavakkoli and Oweis, 2004).

طی سال‌های اخیر مطالعات به سمت استفاده از متانول معطوف گردیده است که در جهت افزایش غلظت CO₂ در داخل گیاه و بالا بردن راندمان فتوسنتزی گیاه استفاده می‌شود

با توجه به نقش مهم گندم به عنوان منبع تأمین غذای مردم جهان از یک طرف و صدمات جبرانناپذیر ناشی از تنش خشکی بر رشد و عملکرد گندم از طرف دیگر و نیز نقش تنظیم‌کننده‌های رشد گیاهی در تعدیل اثرات سوء ناشی از تنش خشکی سبب گردید تا پژوهش حاضر با هدف محلول‌پاشی متانول، اسید آسکوربیک و سلنیوم و آبیاری تکمیلی بر فرآیند انتقال مجدد، برخی خصوصیات فیزیولوژیک و عملکرد و اجزای عملکرد گندم در شرایط دیم اجرا گردد.

مواد و روش‌ها

آزمایش به صورت اسپلیت پلات بر پایه طرح بلوک‌های کاملاً تصادفی با سه تکرار در مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه لرستان (واقع در کیلومتر ۱۲ جاده خرم‌آباد - اندیمشک با طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳ دقیقه و ارتفاع ۱۱۱۷ متر از سطح دریا) در سال زراعی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ اجرا شد. تیمارهای آزمایشی شامل آبیاری به عنوان عامل اصلی در سه سطح [آبیاری تکمیلی در مرحله گلدهی (BBCH 61-65)، دانه‌بندی (BBCH 71-73) و بدون آبیاری (کشت دیم)] و تنظیم‌کننده‌های رشدی به عنوان عامل فرعی در چهار سطح [محلول‌پاشی سلنیوم، اسید آسکوربیک و متانول به ترتیب با غلظت‌های ۸۰ میلی‌گرم در لیتر، ۲۰۰ میلی‌گرم در لیتر، و ۲۰ میلی‌مولار و محلول‌پاشی آب به عنوان شاهد] در دو مرحله ۴-۶ برگ (BBCH 14-16) و مرحله ساقه روی (BBCH 30-31) بود. آبیاری قطره‌ای با نوار تیپ انجام شد. آماده‌سازی زمین شامل شخم پاییزه با گاوآهن چیزل و دیسک جهت خردکردن کلوخه‌ها بود. هر واحد آزمایشی شامل پنج خط کاشت به طول چهار متر و با فاصله بین ردیفی ۲۰ سانتی‌متر و تراکم ۴۰۰ بذر در مترمربع بود. فاصله بین کرت‌ها نیم متر و فاصله بین تکرارها دو متر در نظر گرفته شد. رقم گندم کشت‌شده آذر ۲ بود که از جهاد کشاورزی استان لرستان تهیه شد. گندم آذر ۲ دارای تیپ رشد زمستانه، زودرس، مقاوم به ورس، ریزش دانه، سرما و خشکی است. تنظیم‌کننده‌های رشدی متانول، اسید

آسکوربیک و سلنیوم از شرکت جهان کیمیا تهیه گردید. کاشت به صورت دستی در ۱۵ آبان‌ماه سال ۱۴۰۲ به صورت خشکه‌کاری انجام شد. در طول فصل رشد جهت مبارزه با علف‌های هرز از سم آتلانتیس استفاده شد. خاک مزرعه دارای بافت لومی رسی با درصد نیتروژن ۰/۱۱، میزان فسفر و پتاسیم به ترتیب ۱۲/۶ و ۳۲۵ میلی‌گرم در کیلوگرم، pH برابر ۷/۷۸، و شوری ۱/۴۸ دسی‌زیمنس بر متر بود. بر پایه نتایج تجزیه آزمون خاک، ۱۲۰ کیلوگرم در هکتار اوره و ۵۰ کیلوگرم در هکتار کود سوپرفسفات تریپل در زمان کاشت مصرف شد. متوسط دما و بارندگی ماهانه منطقه مورد آزمایش در طول فصل رشد در جدول ۱ آورده شده است.

صفات مورفولوژیک: در پایان فصل رشد و در زمان رسیدگی (۳۰ خرداد) پس از حذف اثرات حاشیه‌ای یک مترمربع از هر کرت جهت اندازه‌گیری صفات مورفولوژیکی برداشت گردید. میزان عملکرد دانه و عملکرد بیولوژیک در یک مترمربع از هر کرت و ارتفاع بوته و وزن صد دانه در ۵ بوته از هر واحد آزمایشی اندازه‌گیری شد.

محتوای پرولین، قندهای محلول و پروتئین دانه: اندازه‌گیری قندهای محلول برگ به روش فنول سولفوریک و با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر در طول موج ۴۹۰ نانومتر صورت گرفت (Dubios et al., 1956). محتوای پرولین برگ با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر در طول موج ۵۲۰ نانومتر خوانده شد (Bates et al., 1973). برای اندازه‌گیری پروتئین دانه از دستگاه Analyzer Grain N (ساخت شرکت Perten سوئد مدل ۷۲۵۰) استفاده شد.

هدایت الکتریکی و محتوای نسبی آب: جهت سنجش هدایت الکتریکی برگ پرچم گندم از دستگاه EC متر (مدل Mi 180 Bench Meter) استفاده شد. برای سنجش محتوای نسبی آب از روش Chelah و همکاران (۲۰۱۱) و از طریق رابطه ۱ استفاده شد.

$$\text{رابطه ۱: } RWC = (F_w - D_w) / (T_w - D_w) \times 100$$

در این رابطه RWC محتوای نسبی آب، F_w وزن تر، T_w وزن آماس یافته و D_w وزن خشک است.

جدول ۱- متوسط دما و بارندگی ماهانه منطقه مورد آزمایش طی فصل رشد در سال زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	فروردین	اردیبهشت	خرداد
دما (سانتی گراد)	۲۲/۱	۱۵/۳	۹/۷	۷/۹	۷/۴	۸/۶	۱۳/۹	۱۸/۳
بارندگی (میلی-متر)	۱/۴	۴۵/۸	۲۹/۲	۴۳	۹۹/۶	۶۷/۸	۹۴/۶	۱۰۷/۸

میزان انتقال مجدد ماده خشک: میزان انتقال مجدد ماده خشک از کل اندام هوایی و ساقه از مرحله پرشدن دانه تا زمان رسیدگی فیزیولوژیک اندازه گیری شد. یک هفته قبل از پر شدن دانه، هر ۳-۴ روز یکبار پنج سانتی متر از خطوط اصلی کاشت در هر کرت تا زمان رسیدگی فیزیولوژیک برداشت شد. بوته های برداشت شده به ساقه، برگ و دانه تفکیک شدند و پس از خشک شدن به صورت جداگانه توزین شدند. میزان انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته و ساقه و سهم آن ها در عملکرد دانه با استفاده از روابط ۲ تا ۵ محاسبه شد (خیری زاده آروق و همکاران، ۱۳۹۴).

رابطه ۲: $DMT = DMA - DMM$

رابطه ۳: $CDMAG = (DMT/GY) \times 100$

رابطه ۴: $SDMT = SDMM - SDM$

رابطه ۵: $CSAG = (SDMT/GY) \times 100$

در این روابط، DMT: انتقال مجدد ماده خشک، DMA: حداکثر میزان ماده خشک اندام هوایی در برداشت اول، DMN: میزان ماده خشک اندام هوایی به جز دانه در مرحله رسیدگی فیزیولوژیک، CDMAG: سهم فرآیند انتقال مجدد ماده خشک در عملکرد دانه، GY: عملکرد دانه، SDMT: انتقال مجدد ماده خشک از ساقه، SDMM: حداکثر وزن خشک ساقه در برداشت اول، SDMA: وزن خشک ساقه در رسیدگی فیزیولوژیک، CSAG: سهم ذخایر ساقه در عملکرد دانه.

برای تجزیه داده ها و رسم نمودارها از نرم افزارهای SAS 9.4 و Excel استفاده شد و میانگین ها با آزمون LSD در سطح احتمال پنج درصد مقایسه شدند.

نتایج و بحث

براساس نتایج جدول تجزیه واریانس، اثر اصلی آبیاری بر تمام صفات مورد مطالعه معنی دار گردید (جدول ۲). هم چنین تمام صفات مورد بررسی (به استثناء محتوای پرولین) تحت تأثیر اثر تنظیم کننده رشد تفاوت معنی داری را نشان دادند. از طرفی اثر دوگانه آبیاری در تنظیم کننده رشد بر صفات محتوای نسبی آب، هدایت الکتریکی، انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته و ساقه معنی دار گردید (جدول ۲).

پرولین و قندهای محلول: تیمارهای آبیاری از نظر محتوای پرولین و قندهای محلول تفاوت معنی داری نشان دادند، با این وجود اثر تنظیم کننده رشد تنها بر محتوای قندهای محلول تأثیر داشت و بر محتوای پرولین تفاوتی را شامل نشد (جدول ۲). تحت شرایط بدون آبیاری و نیز کاربرد تنظیم کننده های رشدی محتوای پرولین و قندهای محلول در برگ گیاه گندم بهبود یافت. مقایسه میانگین ها برای اثر اصلی آبیاری نشان داد که بالاترین محتوای پرولین (۶/۴۳ میلی گرم در گرم وزن تر) و قندهای محلول (۲۵/۲۷ میلی گرم در گرم وزن تر) تحت شرایط بدون آبیاری تکمیلی به دست آمد. کم ترین میزان پرولین و قندهای محلول (به ترتیب ۵/۳۴ و ۲۳/۲۲ میلی گرم در گرم وزن تر) در حالت اعمال آبیاری تکمیلی در مرحله دانه بندی مشاهده گردید که با انجام آبیاری در مرحله گلدهی از لحاظ آماری تفاوت معنی داری را نشان نداد (جدول ۳). بر این اساس مشخص گردید که انجام آبیاری های تکمیلی در مراحل گلدهی و دانه بندی در مقایسه با شاهد محتوای پرولین را به ترتیب ۱۶/۷ و ۱۶/۹ درصد و محتوای قندهای محلول را نیز به ترتیب ۵/۴ و ۸/۱ درصد کاهش داد (جدول ۳). مقایسه میانگین ها برای اثر اصلی تنظیم کننده رشد حاکی از آن است که کم ترین میزان قندهای محلول (۲۲/۵۲ میلی گرم در گرم وزن تر) تحت شرایط بدون استفاده از تنظیم کننده حاصل گردید. بالاترین میزان این شاخص نیز با کاربرد سلینیوم (۲۴/۹۶)

جدول ۲- تجزيه واريانس تأثير آبياري و تنظيم کننده رشد بر برخي صفات فيزيولوژيکي و بيوشيميائي گندم

منابع تغييرات	درجه آزادي	هدايت الکتريکي	محتوای نسبي آب	پرولين	قندهای محلول	پروتئين دانه	انتقال مجدد کل	سهم انتقال مجدد کل	انتقال مجدد از ذخاير ساقه	سهم
بلوک	۲	۱/۴۶ ns	۲۲/۴۷ **	۰/۰۰۴ ns	۸/۲۵ **	۰/۱۳ ns	۳/۴۴ ns	۹۷/۷۵ **	۷/۶۷ ns	۵۱/۳ **
آبياري (A)	۲	۳۲۹/۵۴ **	۱۴۶۱/۵۸ **	۴/۵۹ **	۱۳/۰۶ **	۸/۷۹ **	۱۶۸/۴۹ **	۳۹۰/۸۶ **	۵۵/۵۴ **	۱۸۳/۳۶ **
اشتباه آزمایشي a	۴	۱۲/۰۹	۲/۷۴	۰/۰۱	۰/۵۸	۰/۷۳	۲۷/۶۱	۵۶/۲۴	۱/۱۵	۲۶/۳۳
تنظيم کننده رشد (B)	۳	۷۴/۳۵ **	۲۴/۰۲ **	۰/۰۷۵ ns	۱۰/۸۵ **	۱/۱۴ *	۱۰۹/۷۹ **	۱۳۷/۷۹ **	۶۳/۸۹ **	۶۹/۳۳ **
(B) × (A)	۶	۴۴/۶۶ **	۲۷/۸۶ **	۰/۰۷۴ ns	۰/۸۷ ns	۰/۶۲ ns	۱۵/۵۲ *	۱۵/۸۳ ns	۱۰/۷۹ **	۱۰/۲۵ ns
اشتباه آزمایشي b	۱۸	۳/۲۰۱	۱/۰۲	۰/۰۴۹	۱/۲۸	۰/۳۵	۵/۷۳	۱۱/۵	۲/۲۰۵	۶/۱۵
ضريب تغييرات (%)	-	۲/۱۴	۱/۳۹	۳/۸۸	۴/۶۹	۴/۳	۳/۰۱	۷/۵۸	۲/۵۹	۷/۷

ns, * و ** به ترتيب غيرمعني دار و معني دار در سطح احتمال پنج و يك درصد

جدول ۳- مقايسه ميانگين اثر آبياري و تنظيم کننده رشد بر محتوای پرولين، قندهای محلول و پروتئين دانه گندم

تيمار	پرولين (ميلي گرم در گرم وزن تر)	قندهای محلول (ميلي گرم در گرم وزن تر)	پروتئين دانه (درصد)
بدون آبياري	۶/۴۳ a	۲۵/۲۷ a	۱۴/۲۴ a
آبياري در مرحله گلدهي	۵/۳۸ b	۲۳/۹ b	۱۴/۲۷ a
آبياري در مرحله دانه بندي	۵/۳۴ b	۲۳/۲۲ b	۱۲/۷۷ b
LSD _{0.05}	۰/۱۱	۰/۸۶	۰/۹۷
بدون تنظيم کننده (شاهد)	-	۲۲/۵۲ b	۱۳/۲۷ b
سلنيوم	-	۲۴/۹۶ a	۱۳/۸ ab
اسيد آسکوربيک	-	۲۴/۴۱ a	۱۴/۱۳ a
متانول	-	۲۴/۶۳ a	۱۳/۸۴ ab
LSD _{0.05}	-	۱/۱۲	۰/۵۸

ميانگين های با حروف مشابه در هر ستون براساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵ درصد اختلاف آماری معنی داری با يکديگر ندارند.

نقش مهمی در مهار گونه های فعال اکسيژن، حفظ فرم طبيعي پروتئين ها (Sales et al., 2022) و حفاظت از ساختار غشاها، آنزيم ها، رنگيزه های فتوسنتزي (Ashraf and Foolad, 2007) ايفا می کند. تحريك سنتز پرولين و نيز ممانعت از تجزيه آن از دلايل افزايش تجمع پرولين در شرايط تنش خشکی عنوان شده است (Cunhua et al., 2010). مطالعات گوناگون افزايش انباشت پرولين در شرايط محدوديت آبی را در گندم نشان داده است (Annunziata et al., 2017).

افزايش فعاليت آنزيم های هيدروليز کننده نشاسته از قبيل

ميلي گرم در گرم وزن تر) به دست آمد که با دو تيمار اسيد آسکوربيک و متانول اختلاف معنی داری را از لحاظ آماری نشان نداد. بر اين اساس کاربرد سلنيوم، اسيد آسکوربيک و متانول در مقايسه با شاهد محتوای قندهای محلول را به ترتيب ۱۰/۸، ۸/۳ و ۹/۳ درصد بهبود بخشيد (جدول ۳).

پرولين به عنوان يکی از اسموليت های سازگار است که در شرايط تنش های مختلف مانند خشکی، شوری (Ghaffari et al., 2019)، فلزات سنگين، گرما، کمبود عناصر غذايي (Maghsoudi et al., 2018) تجمع آن افزايش پيدا می کند و

آلفا آمیلاز و اینورتاز از دلایل افزایش محتوای قندهای محلول در شرایط تنش است، به طوریکه فعالیت این آنزیم‌ها سبب تجزیه نشاسته و قندهای بزرگ به مولکول‌های کوچکتر و در نتیجه حفظ پتانسیل اسمزی تحت شرایط تنش است (Bolarin *et al.*, 1995). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که کاربرد متانول (Dawood *et al.*, 2013) و سلنیوم (Habibi, 2013) موجب افزایش محتوای قندهای محلول می‌شود. همچنین گزارش گردیده است که سلنیوم (Nawaz *et al.*, 2015) و اسید آسکوربیک (Sharma *et al.*, 2019) سبب افزایش محتوای پرولین در گیاهان می‌شود.

از جمله دلایل تأثیرگذاری متانول بر مقدار کربوهیدرات‌های محلول در برگ این است که متانول از طریق تأثیری که بر دی‌اکسید کربن می‌گذارد و از طریق تحت تأثیر قرار دادن متابولیسم گیاه سبب افزایش فشار آماس، سرعت آسمیلاسیون و تولید کربوهیدرات‌های محلول در برگ می‌شود. همچنین متانول به سرعت به فرمالدئید اکسیده شده و سپس تبدیل به فروکتوز ۶ فسفات می‌شود که این ترکیب نیز به ساکارز تبدیل شده و سبب افزایش میزان کربوهیدرات‌های محلول در برگ گیاه می‌شود (Ramirez *et al.*, 2006). نقش اسید آسکوربیک در افزایش تجمع قندهای محلول را می‌توان به تأثیر مثبت اسید آسکوربیک در افزایش میزان کلروفیل‌ها و تأثیر آن در متابولیسم سلول و افزایش تقسیم و توسعه سلول نسبت داد (Gadallah, 2000). از طرفی عنوان شده است که سلنیوم با افزایش محتوای کاروتنوئید و کاهش تنش اکسیداتیو، موجب افزایش میزان قندهای موجود در گیاهان می‌شود (Nawaz *et al.*, 2015).

پروتئین دانه: مقایسه میانگین‌ها نشان داد که آبیاری در مرحله گلدهی نسبت به شرایط بدون آبیاری تفاوت معنی‌داری را بر محتوای پروتئین نداشت، در صورتی که آبیاری در مرحله دانه‌بندی محتوای پروتئین را کاهش داد. همچنین کاربرد تنظیم‌کننده‌های رشدی نسبت به عدم کاربرد آن‌ها میزان پروتئین دانه گندم را بهبود بخشید. نتایج اثر اصلی برای آبیاری نشان داد که بیشترین محتوای پروتئین دانه تحت شرایط انجام

آبیاری تکمیلی در مرحله گلدهی (۱۴/۲۷ درصد) و نیز شرایط بدون آبیاری (۱۴/۲۴ درصد) و کمترین این شاخص تحت تیمار آبیاری در مرحله دانه‌بندی (۱۲/۷۷ درصد) به دست آمد. بر طبق نتایج انجام آبیاری تکمیلی در مرحله دانه‌بندی میزان پروتئین دانه را در مقایسه با شرایط بدون آبیاری ۱۰/۳ درصد کاهش داد (جدول ۳). مقایسه میانگین‌ها برای اثر اصلی تنظیم‌کننده رشد مشخص کرد که تیمار کاربرد اسید آسکوربیک دارای بالاترین میزان پروتئین (۱۴/۱۳ درصد) است که با تیمارهای مصرف سلنیوم و متانول از نظر آماری اختلاف معنی‌داری را دارا نبود. تیمار عدم کاربرد تنظیم‌کننده نیز حداقل محتوای پروتئین دانه (۱۳/۲۷ درصد) را به خود اختصاص داد (جدول ۳). بر این اساس محتوای پروتئین دانه با کاربرد سلنیوم ۳/۹ درصد، اسید آسکوربیک ۶/۴ درصد و متانول ۴/۲ درصد در مقایسه با عدم مصرف تنظیم‌کننده افزایش نشان داد (جدول ۳).

افزایش محتوای پروتئین دانه گندم در شرایط تنش خشکی به اثبات رسیده است (Azmat *et al.*, 2020). تنش خشکی سبب بسته‌شدن یا کاهش درجه باز شدن روزنه‌ها می‌شود و در این شرایط جذب و تثبیت دی‌اکسید کربن با اختلال مواجه می‌شود. در این حالت میزان کل مواد پرورده برای پر شدن دانه کاهش می‌یابد، ولی با این وجود انتقال مجدد نیتروژن از برگ‌ها به دانه تحت تنش خشکی کاهش نمی‌یابد و این امر سبب افزایش پروتئین دانه می‌شود (Bahrani *et al.*, 2011). کاهش عملکرد و افزایش محتوای نیتروژن در دانه از دلایل افزایش میزان پروتئین در شرایط تنش است (Behboudi *et al.*, 2019). سلنیوم با تعدیل اثرات ناشی از گونه‌های فعال اکسیژن سبب کاهش اکسیداسیون فسفولیپیدها و پروتئین‌ها و همچنین با افزایش فعالیت آنزیم نیترات ردوکتاز سبب افزایش محتوای پروتئین می‌گردد (Nawaz *et al.*, 2015). Hafez و Gharib (۲۰۱۶) افزایش محتوای پروتئین‌های محلول گندم را با کاربرد اسید آسکوربیک گزارش دادند. عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر چهار سطح (صفر، ۷، ۲۱ و ۳۵ درصد حجمی) متانول را بر روی گیاه سویا در شرایط تنش خشکی مورد بررسی قرار

دادند و نتیجه گرفتند که با افزایش محلول پاشی متانول تا ۲۱ درصد حجمی، درصد پروتئین دانه نسبت به شاهد ۳۰/۵ درصد افزایش یافت و این افزایش به دلیل تأثیر متانول بر اسیدهای آمینه است.

هدایت الکتریکی و محتوای نسبی آب: تنش آبی سبب

افزایش میزان هدایت الکتریکی و کاهش محتوای نسبی آب شد. هم‌چنین کاربرد تنظیم‌کننده‌های رشد در مقایسه با عدم کاربرد (شاهد) موجب کاهش هدایت الکتریکی و بهبود محتوای نسبی آب گردید (جدول ۴). مقایسه میانگین اثر ترکیب تیماری آبیاری در تنظیم‌کننده رشد نشان داد که حداکثر هدایت الکتریکی برگ گندم ۸۸/۵۸ میکروزیمنس بر سانتی‌متر) در حالت عدم مصرف تنظیم‌کننده در شرایط آبیاری در مرحله گلدهی مشاهده شد که با ترکیبات تیماری مصرف سلیوم و متانول در تیمار آبیاری در مرحله گلدهی و نیز مصرف سلیوم، متانول، اسید آسکوربیک و عدم مصرف در حالت بدون آبیاری و هم‌چنین بدون مصرف تنظیم‌کننده در شرایط آبیاری در مرحله دانه‌بندی تفاوت معنی‌داری را از لحاظ آماری دارا نبود. محلول پاشی سلیوم ۷۲/۳۴ میکروزیمنس بر سانتی‌متر)، اسید آسکوربیک ۷۴/۳۵ میکروزیمنس بر سانتی‌متر) و متانول ۷۴/۴۴ میکروزیمنس بر سانتی‌متر) به همراه آبیاری تکمیلی در مرحله دانه‌بندی از کمترین میزان هدایت الکتریکی برخوردار بودند (جدول ۴). هم‌چنین حداکثر محتوای نسبی آب با کاربرد سلیوم ۸۷/۴۲ درصد)، اسید آسکوربیک ۸۸/۲۴ درصد) و متانول ۸۸/۱۷ درصد) تحت شرایط آبیاری تکمیلی در مرحله دانه‌بندی مشاهده گردید. ترکیب تیماری عدم مصرف تنظیم‌کننده تحت تیمار بدون آبیاری دارای حداقل محتوای نسبی آب ۶۴/۴۹ درصد) بود که از نظر آماری با کاربرد سلیوم در شرایط بدون آبیاری و محلول پاشی اسید آسکوربیک در شرایط آبیاری در محله گلدهی تفاوت معنی‌داری را نشان نداد (جدول ۴).

محتوای نسبی آب به عنوان شاخصی برای ارزیابی

گیاهان در مقابل تنش خشکی می‌باشد تا ارقام مقاوم به خشکی را شناسایی کنند. کاهش محتوای نسبی آب در گیاهان در

شرایط تنش خشکی گزارش شده است (Azmat et al., 2020). کاهش پتانسیل آب برگ و کاهش جذب آب از ریشه‌ها در شرایط تنش خشکی و نیز عدم توازن میان مصرف آب ناشی از تبخیر و تعرق و تأمین و جایگزینی آن از طریق رطوبت خاک و آبیاری از دلایل عمده کاهش محتوای نسبی آب است (Abdel-Motagally et al., 2018). افزایش تولید گونه‌های فعال اکسیژن و القای تنش اکسیداتیو ناشی از تنش، سبب پراکسیداسیون لیپیدهای غشا و تغییر در نفوذپذیری آن‌ها می‌شود و از این طریق موجب افزایش نشت یونی به بیرون از سلول می‌شود (Mohammadkhani and Heidari, 2007).

عنوان شده است که تحت شرایط محدودیت آبی استفاده از تعدیل‌کننده‌های تنش از طریق تجمع اسمولیت‌های سازگار، افزایش محتوای کلروفیل و فعالیت آنزیم‌های آنتی‌اکسیدانی علاوه بر مهار گونه‌های فعال اکسیژن سبب حفظ ثبات و پایداری غشای سلولی می‌شوند (Ghaffari et al., 2019). در این راستا گزارش شده است که در گیاهان تیمار شده با سلیوم تخریب غشای پلاسمایی و نشت یون‌ها از سلول نسبت به گیاهان شاهد کمتر است و در نتیجه میزان هدایت الکتریکی نیز کاهش می‌یابد (Broadley et al., 2010). در آزمایشی بر روی گیاه جو نشان داد که محلول پاشی سلیوم محتوای نسبی آب را در گیاهان شاهد از ۷۲/۵ درصد به ۸۳/۵ درصد و در شرایط تنش خشکی از ۵۵/۲ درصد به ۵۷/۶ درصد افزایش داد (Habibi, 2013). کاربرد متانول از طریق افزایش دی‌اکسید کربن درون برگ، زمینه را برای بسته نگه داشتن بیشتر روزنه‌ها فراهم نموده و گیاه از این طریق میزان آب کمتری را در اثر تعرق از دست می‌دهد و از این طریق سبب حفظ محتوای نسبی آب می‌گردد (Huve et al., 2007). محلول پاشی اسید آسکوربیک از طریق افزایش تجمع پرولین و قندها نقش مهمی را در تنظیم اسمزی برعهده دارد و از این طریق سبب حفظ محتوای نسبی آب در شرایط تنش خشکی می‌شود (Gadallah, 2000).

انتقال مجدد ماده خشک: در این پژوهش عدم آبیاری

تکمیلی سبب افزایش انتقال ماده خشک از کل بوته و ساقه به

جدول ۴- مقایسه میانگین اثر متقابل آبیاری در تنظیم‌کننده رشد بر محتوای نسبی آب، هدایت الکتریکی و انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته و ساقه گندم

آبیاری	تنظیم‌کننده	هدایت الکتریکی (میکروزیمنس بر سانتی‌متر)	محتوای نسبی آب (درصد)	انتقال مجدد کل (گرم در مترمربع)	انتقال مجدد از ساقه (گرم در مترمربع)
بدون آبیاری	بدون تنظیم‌کننده (شاهد)	۸۵/۹ ^{ab}	۶۴/۴۹ ^d	۸۷/۴۴ ^a	۶۲/۱۷ ^a
	سلنیوم	۸۵/۵۹ ^{ab}	۶۴/۹ ^d	۸۳/۵۱ ^{ab}	۵۹/۵۲ ^b
	اسید آسکوربیک	۹۶/۰۰ ^{ab}	۶۷/۲۲ ^c	۸۳/۹۲ ^{ab}	۵۸/۳۶ ^{bc}
	متانول	۸۷/۹۸ ^a	۶۸/۴۳ ^c	۸۰/۳۴ ^{bc}	۵۸/۰۵ ^{bc}
آبیاری در مرحله گلدهی	بدون تنظیم‌کننده (شاهد)	۸۸/۵۸ ^a	۶۷/۲۵ ^c	۸۵/۲۶ ^{ab}	۶۲/۳۷ ^a
	سلنیوم	۸۵/۴۶ ^{ab}	۶۷/۵۲ ^c	۷۶/۴۵ ^{cde}	۵۶/۵۲ ^{cd}
	اسید آسکوربیک	۸/۲ ^b	۶۴/۵ ^d	۷۲/۱۵ ^e	۵۴/۵۱ ^{de}
	متانول	۸۶/۶ ^{ab}	۶۸/۵۶ ^c	۷۴/۲۲ ^{de}	۵۴/۲۹ ^{def}
آبیاری در مرحله دانه‌بندی	بدون تنظیم‌کننده (شاهد)	۸۷/۷۱ ^{ab}	۷۹/۰۲ ^b	۸۰/۷۷ ^{bc}	۵۸/۷۴ ^{bc}
	سلنیوم	۷۲/۳۴ ^c	۸۷/۴۲ ^a	۷۷/۹۳ ^{cd}	۵۲/۸۶ ^{ef}
	اسید آسکوربیک	۷۴/۳۵ ^c	۸۸/۲۴ ^a	۷۵/۶۳ ^{cde}	۵۲/۰۷ ^f
	متانول	۷۴/۴۴ ^c	۸۸/۱۷ ^a	۷۶/۲۸ ^{cde}	۵۷/۳۵ ^{bc}
LSD _{0.05}		۳/۷۱	۱/۹۶	۵/۲۷	۲/۴

میانگین‌های با حروف مشابه در هر ستون براساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵ درصد اختلاف آماری معنی‌داری با یکدیگر ندارند.

در عملکرد دانه (۲۸/۵۵ درصد) از تیمار آبیاری تکمیلی در مرحله دانه‌بندی حاصل شد (جدول ۵). نتایج مشخص کرد که تنش کم آبی در مقایسه با آبیاری تکمیلی در مرحله گلدهی سهم انتقال مجدد کل و نیز سهم ذخایر ساقه در عملکرد دانه را به ترتیب ۱۹/۳ و ۱۴/۷ درصد و در مرحله دانه‌بندی نیز به ترتیب ۲۷/۲ و ۲۷/۲ درصد افزایش داد (جدول ۵).

مقایسه میانگین‌ها نشان داد که تیمار بدون محلول‌پاشی (شاهد) دارای بالاترین سهم انتقال مجدد کل در عملکرد دانه (۴۹/۴۴ درصد) و سهم ذخایر ساقه در عملکرد دانه (۳۵/۷۳ درصد) بود. کمترین سهم انتقال مجدد کل در مصرف اسید آسکوربیک و متانول (به ترتیب ۴۱/۳۱ و ۴۱/۶۶ درصد) مشاهده گردید. از طرفی محلول‌پاشی اسید آسکوربیک دارای حداقل سهم ذخایر ساقه در عملکرد دانه (۲۹/۴۴ درصد) بود (جدول ۵). مقایسه میانگین‌ها نشان داد که محلول‌پاشی سلنیوم، اسید آسکوربیک و متانول نسبت به شاهد سهم انتقال

دانه گردید. به نظر می‌رسد کاهش طول دوره رشدی و نیز تسریع پیری و ریزش برگ‌های پایینی در شرایط محدودیت آبی سبب کاهش نقش فتوسنتز جاری در پر شدن دانه‌ها گردیده و در نتیجه بخش بیشتری از پر شدن دانه به واسطه انتقال بیشتر ماده خشک به سمت دانه تأمین می‌شود. از طرفی محلول‌پاشی تنظیم‌کننده‌های رشد گیاهی میزان انتقال مجدد ماده خشک را کاهش داد. این تأثیر را می‌توان به نقش تنظیم‌کننده‌های رشدی در تعدیل اثرات ناشی از محدودیت آبی و در نتیجه بهبود فتوسنتز جاری در جهت تأمین آسمیلات‌های لازم برای پر شدن دانه نسبت داد. مقایسه میانگین‌ها برای اثر اصلی آبیاری نشان داد که بالاترین سهم انتقال ماده خشک کل در عملکرد دانه (۵۱/۱ درصد) و سهم ذخایر ساقه در عملکرد دانه (۳۶/۳۲ درصد) در تیمار بدون آبیاری تکمیلی مشاهده شد (جدول ۵). کمترین سهم انتقال مجدد کل در عملکرد دانه (۴۰/۱۵ درصد) و سهم ذخایر ساقه

جدول ۵- مقایسه میانگین اثر اصلی آبیاری و تنظیم‌کننده‌های رشد بر سهم انتقال مجدد از کل بوته و ساقه در عملکرد دانه گندم

تیمار	سهم انتقال مجدد کل (درصد)	سهم ذخایر ساقه (درصد)
بدون آبیاری	۵۱/۱ ^a	۳۶/۳۲ ^a
آبیاری در مرحله گلدهی	۴۲/۸۳ ^{ab}	۳۱/۶۶ ^{ab}
آبیاری در مرحله دانه‌بندی	۴۰/۱۵ ^b	۲۸/۵۵ ^b
LSD _{0.05}	۸/۵	۵/۸۱
بدون تنظیم‌کننده (شاهد)	۴۹/۴۴ ^a	۳۵/۷۳ ^a
سلتیوم	۴۶/۳۵ ^a	۳۲/۹۳ ^b
اسید آسکوربیک	۴۱/۳۱ ^b	۲۹/۴۴ ^c
متانول	۴۱/۶۶ ^b	۳۰/۶۱ ^{bc}
LSD _{0.05}	۳/۳۵	۲/۴۵

میانگین‌های با حروف مشابه در هر ستون براساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵ درصد اختلاف آماری معنی‌داری با یکدیگر ندارند.

مجدد کل در عملکرد دانه را به ترتیب ۶/۲، ۱۶/۴ و ۱۵/۷ درصد و سهم ذخایر ساقه در عملکرد دانه را به ترتیب ۷/۸، ۱۷/۶ و ۱۴/۳ درصد کاهش داد (جدول ۵).

اثر متقابل آبیاری در تنظیم‌کننده رشد نشان داد که حداکثر انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته (۸۷/۴۴ گرم در مترمربع) در حالت بدون محلول‌پاشی و بدون آبیاری مشاهده گردید که با تیمارهای کاربرد سلتیوم و اسید آسکوربیک در شرایط بدون آبیاری و تیمار بدون محلول‌پاشی در شرایط آبیاری در مرحله گلدهی اختلاف معنی‌داری را نشان نداد. کمترین میزان این شاخص (۷۲/۱۵ گرم در مترمربع) با مصرف اسید آسکوربیک در شرایط آبیاری در مرحله گلدهی به دست آمد (جدول ۴). بر اساس نتایج، محلول‌پاشی سلتیوم، اسید آسکوربیک و متانول در مقایسه با شاهد (عدم محلول‌پاشی) میزان انتقال مجدد کل را در شرایط بدون آبیاری به ترتیب ۴/۴، ۴ و ۸/۱ درصد، در شرایط آبیاری در مرحله گلدهی به ترتیب ۱۰/۳، ۱۵/۳ و ۱۲/۹ درصد و در شرایط آبیاری در مرحله دانه‌بندی به ترتیب ۳/۵، ۶/۳ و ۵/۵ درصد کاهش داد (جدول ۴). مقایسه میانگین ترکیب تیماری تنظیم‌کننده رشدی در آبیاری حاکی از آن است که ترکیب تیماری محلول‌پاشی اسید آسکوربیک و آبیاری در مرحله دانه‌بندی کمترین میزان انتقال مجدد ماده خشک از ساقه

(۵۲/۰۷ گرم در مترمربع) و ترکیب تیماری بدون محلول‌پاشی و بدون آبیاری و نیز آبیاری در مرحله گلدهی (به ترتیب ۶۲/۳۷ و ۶۲/۱۷ گرم در مترمربع) بالاترین این شاخص را به خود اختصاص دادند (جدول ۴). انتقال مجدد ماده خشک از ساقه تحت تأثیر مصرف سلتیوم، اسید آسکوربیک و متانول نسبت به شاهد، در حال بدون آبیاری تکمیلی به ترتیب ۴/۲، ۶/۱ و ۶/۶، در شرایط آبیاری در مرحله گلدهی ۹/۳، ۱۲/۶ و ۱۲/۹ درصد و در حالت آبیاری در مرحله دانه‌بندی ۱۰، ۱۱/۳ و ۲/۳ درصد کاهش را نشان داد (جدول ۴).

کاهش فتوسنتز جاری و افزایش انتقال مجدد ماده خشک از اندام هوایی به دانه در شرایط تنش خشکی در مطالعات متعدد گزارش شده است (Bahrani et al., 2011). Davidson و Chevalier (۱۹۹۲) نیز بیان داشتند که در شرایط عادی سهم ذخایر ساقه در تشکیل دانه ۱۲ درصد و در شرایط تنش خشکی ۴۰ درصد است. در شرایط گوناگون سهم انتقال مجدد ماده خشک در عملکرد دانه به روابط مبدأ و مخزن در طول دوره پر شدن دانه مربوط می‌شود. در شرایط مطلوب و دسترسی به منابع کافی، چون فتوسنتز جاری افزایش می‌یابد، در نتیجه تعادل مبدأ و مقصد تا حدود زیادی حفظ شده و مواد تولیدی مبدأ می‌تواند در مقصد مورد استفاده قرار گیرد

(Asseng and van Herwaarden, 2003). با این وجود تحت شرایط تنش، فتوسنتز جاری کاهش می‌یابد و بنابراین در این شرایط فرآیند انتقال مجدد نقش مهمی را در عملکرد نهایی دانه بازی می‌کند (Papakosta and Gagianas, 1991).

گزارش گردیده است که دی‌اکسید کربن حاصل از اکسیداسیون سریع متانول، با افزایش غلظت CO_2 در بافت‌های فتوسنتزکننده به دلیل بالابردن فعالیت کربوکسیلازی آنزیم رویسکو و کاهش تنفس نوری ضمن بهبود فتوسنتز جاری امکان انتقال بیشتر مواد فتوسنتزی از مبدأ به مقصد را فراهم کرده و موجب می‌شود تحت چنین شرایطی سهم انتقال ماده خشک در عملکرد دانه کاهش یابد (Gout et al., 2000). ساجدی و همکاران (۱۳۹۱) بیان داشتند که کاربرد تنظیم‌کننده‌های سلنیوم و اسید سالیسیلیک میزان فتوسنتز جاری را در گندم افزایش داد، در صورتی که سهم انتقال مجدد در عملکرد دانه را کاهش داد. ایشان بیان داشتند که بالاترین سهم انتقال مجدد در عملکرد دانه با عدم کاربرد سلنیوم و اسید سالیسیلیک مشاهده شد.

صفات مورفولوژیک: نتایج حاصل از جدول تجزیه واریانس نشان داد که اثر اصلی آبیاری بر صفات وزن صد دانه، عملکرد بیولوژیک و عملکرد دانه معنی‌دار شد. همچنین تمام صفات تحت تأثیر اثر اصلی تنظیم‌کننده رشد تفاوت معنی‌داری را نشان دادند. اثر متقابل آبیاری در تنظیم‌کننده رشد بر عملکرد بیولوژیک تأثیر معنی‌داری را داشت (جدول ۶).

ارتفاع بوته و وزن صد دانه: تنها اثر اصلی تنظیم‌کننده رشد بر ارتفاع بوته معنی‌دار گردید. با این وجود وزن صد دانه تحت تأثیر اثر اصلی آبیاری و اثر اصلی تنظیم‌کننده رشد معنی‌دار گردید. نتایج حاصل از مقایسه میانگین بیانگر این است که بالاترین ارتفاع بوته با $84/44$ سانتی‌متر در تیمار محلول‌پاشی با اسید آسکوربیک و کمترین میزان آن با $73/33$ سانتی‌متر در تیمار بدون کاربرد تنظیم‌کننده مشاهده گردید (جدول ۷). بر این اساس ارتفاع بوته با کاربرد سلنیوم $12/2$ درصد، اسید آسکوربیک $15/1$ درصد و متانول $11/3$ درصد در مقایسه با عدم محلول‌پاشی افزایش یافت (جدول ۷). اثر اصلی

آبیاری نشان داد که حداکثر وزن صد دانه ($3/31$ گرم) تحت شرایط آبیاری تکمیلی در مرحله دانه‌بندی مشاهده شد که سبب افزایش $16/1$ درصدی این شاخص در مقایسه با شرایط بدون آبیاری گردید. حداقل وزن صد دانه ($2/85$ گرم) در حالت بدون آبیاری و نیز آبیاری در مرحله گلدهی به دست آمد (جدول ۷). از طرفی اثر اصلی برای تنظیم‌کننده رشد مشخص کرد که تیمار محلول‌پاشی متانول از بیشترین وزن صد دانه ($3/17$ گرم) برخوردار بود که با تیمارهای محلول‌پاشی سلنیوم و اسید آسکوربیک اختلاف معنی‌داری را نشان نداد. حداقل وزن صد دانه ($2/71$ گرم) در شرایط بدون کاربرد تنظیم‌کننده رشد مشاهده گردید (جدول ۷). نتایج حاصل نشان داد که مصرف سلنیوم، اسید آسکوربیک و متانول نسبت به عدم مصرف (شاهد) وزن صد دانه را به ترتیب $12/5$ ، $15/1$ و $16/9$ درصد بهبود بخشید (جدول ۷).

از حساس‌ترین مراحل رشدی گیاه به تنش خشکی می‌توان به مراحل زایشی مانند گلدهی، گرده‌افشانی و پر شدن دانه‌ها اشاره کرد. بنابراین بروز هر گونه محدودیت آبی در این مراحل سبب کاهش جذب عناصر شده و منجر به کاهش تولید فرآورده‌های فتوسنتزی و انتقال آن‌ها به دانه‌ها شده و در نتیجه وزن دانه‌ها کاهش می‌یابد (Scharf et al., 2015). از دلایل دیگر کاهش وزن دانه در شرایط تنش خشکی می‌توان به کوتاه شدن زمان پر شدن دانه گندم اشاره کرد (Zhao et al., 2020). تنش خشکی از طریق کاهش تورژسانس سلولی، کاهش توسعه سلولی، تقسیم سلولی و دی‌هیدراسیون پروتوپلاسم سبب کاهش ارتفاع بوته گندم می‌گردد (El-Kholy and Gaballah, 2005). سلنیوم از طریق افزایش دسترسی به نیتروژن و نیز جلوگیری از آبهویی آن می‌تواند اثر مثبتی بر وزن دانه داشته باشد (ساجدی و همکاران، ۱۳۹۱). Dolatabadian و همکاران (۲۰۱۰) گزارش دادند که محلول‌پاشی 150 میلی‌گرم در لیتر اسید آسکوربیک سبب بهبود رشد، تولید و افزایش وزن دانه ذرت گردید. Davis و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که وزن صدانه رقم‌های مختلف نخود تحت تأثیر محلول‌پاشی متانول افزایش یافته و کمترین وزن صد دانه در تیمار عدم کاربرد

جدول ۶- تجزیه واریانس تأثیر تیمارهای آبیاری و تنظیم‌کننده رشد بر برخی صفات مورفولوژیک گندم

منابع تغییرات	درجه آزادی	ارتفاع بوته	وزن صد دانه	عملکرد بیولوژیک	عملکرد دانه
بلوک	۲	۰/۰۲۷ ^{ns}	۰/۰۴۷ ^{ns}	۱۱۴۹۱۶/۷۷ ^{**}	۶۰۶۷۱/۳۶ ^{**}
آبیاری	۲	۰/۱۱۱ ^{ns}	۰/۰۸۲ ^{**}	۹۱۲۱۸۶/۷۷ ^{**}	۱۳۹۹۲۵/۴۴ ^{**}
اشتباه آزمایشی a	۴	۰/۰۲۷	۰/۰۳۷	۶۴۸۵۴/۰۶	۳۷۹۹۸/۵۲
تنظیم‌کننده رشد	۳	۲۱۴/۸۸ ^{**}	۰/۳۸۸ ^{**}	۱۳۷۳۹۸/۳۲ ^{**}	۴۷۳۶۱/۱۳ [*]
آبیاری × تنظیم‌کننده رشد	۶	۰/۱۱۱ ^{ns}	۰/۰۴۶ ^{ns}	۵۴۲۹۰/۱۸ ^{**}	۱۲۹۵۹ ^{ns}
اشتباه آزمایشی b	۱۸	۰/۳۹۸	۰/۰۴۸	۱۳۲۹۹/۴۵	۹۳۵۳/۱
ضریب تغییرات (%)	–	۰/۷۸	۷/۲۶	۳/۱۷	۵/۳۴

ns، * و ** به ترتیب غیرمعنی‌دار و معنی‌دار در سطح احتمال پنج و یک درصد

جدول ۷- مقایسه میانگین اثر اصلی آبیاری و تنظیم‌کننده رشد بر برخی صفات مورفولوژیک گندم

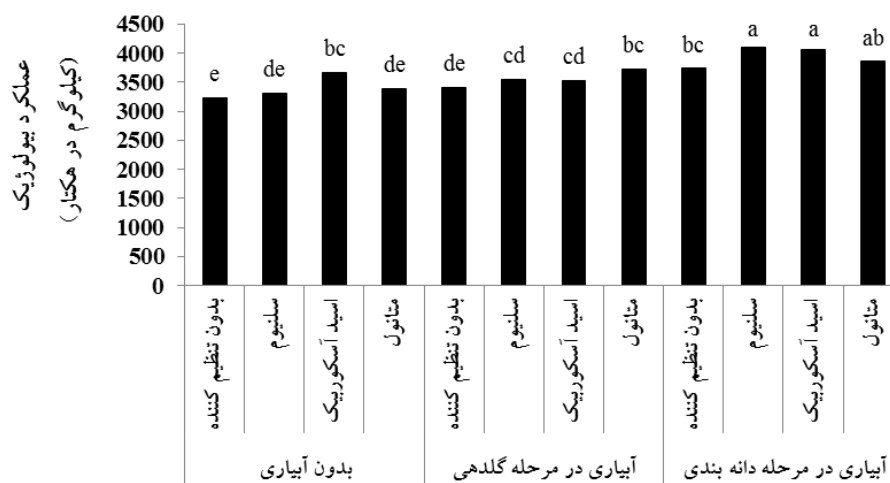
تیمار	عملکرد دانه (کیلوگرم در هکتار)	ارتفاع بوته (سانتی‌متر)	وزن صد دانه (گرم)
بدون آبیاری	۱۷۰۴/۷۵ ^b	–	۲/۸۵ ^b
آبیاری در مرحله گلدهی	۱۸۰۶/۰۸ ^b	–	۲/۸۵ ^b
آبیاری در مرحله دانه‌بندی	۱۹۲۰/۵۸ ^a	–	۳/۳۱ ^a
LSD _{0.05}	۲۲۰/۹۵	–	۰/۲۱
بدون تنظیم‌کننده (شاهد)	۱۷۳۸/۲۲ ^b	۷۳/۳۳ ^d	۲/۷۱ ^b
سلتیوم	۱۷۵۸/۷۸ ^b	۸۲/۳۳ ^b	۳/۰۵ ^a
اسید آسکوربیک	۱۸۸۲/۷۸ ^a	۸۴/۴۴ ^a	۳/۱۲ ^a
متانول	۱۸۶۲/۱۱ ^a	۸۱/۶۶ ^c	۳/۱۷ ^a
LSD _{0.05}	۹۵/۷۸	۰/۶۲	۰/۲۱

میانگین‌های با حروف مشابه در هر ستون براساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵ درصد اختلاف آماری معنی‌داری با یکدیگر ندارند.

متانول مشاهده شد. محلول‌پاشی متانول با افزایش تولید سیتوکینین و افزایش تقسیم سلولی موجب تحریک رشد و افزایش ارتفاع در گیاهان تیمار شده با متانول می‌شود (Madhaiyan et al., 2006).

عملکرد دانه و عملکرد بیولوژیک: مقایسه میانگین‌ها نشان داد که عملکرد دانه و عملکرد بیولوژیک تحت تأثیر آبیاری تکمیلی در مراحل گلدهی و دانه‌بندی افزایش یافت. هم‌چنین کاربرد تنظیم‌کننده‌های رشد در مقایسه با عدم مصرف تنظیم‌کننده محتوای این شاخص‌ها را بهبود بخشید. اثر اصلی

آبیاری نشان داد که بیشترین عملکرد دانه (۱۹۲۰/۵۸) کیلوگرم در هکتار) تحت شرایط آبیاری تکمیلی در مرحله دانه‌بندی و کمترین این شاخص (۱۷۰۴/۷۵) کیلوگرم در هکتار) در شرایط بدون آبیاری مشاهده گردید (جدول ۷). نتایج نشان داد که انجام آبیاری تکمیلی در مرحله گلدهی و دانه‌بندی در مقایسه با شرایط بدون آبیاری عملکرد دانه را به ترتیب ۵/۹ و ۱۲/۶ درصد افزایش داد (جدول ۷). مقایسه میانگین‌ها برای اثر اصلی تنظیم‌کننده رشد نشان داد که بیشترین عملکرد دانه (۱۸۸۲/۷۸) کیلوگرم در هکتار) با کاربرد اسید آسکوربیک حاصل شد که با



شکل ۱- مقایسه میانگین اثر متقابل آبیاری در تنظیم کننده رشد بر عملکرد بیولوژیک گندم. میانگین‌های با حروف مشابه براساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵ درصد اختلاف آماری معنی داری با یکدیگر ندارند.

کاهش عملکرد دانه تحت شرایط تنش خشکی به افزایش نشت الکترولیت و کاهش محتوای کلروفیل اشاره شده است (Mohammadkhani and Heidari, 2007). کاهش تقسیم سلولی و رشد، کاهش فتوسنتز، تخریب غشایی (Cattivelli et al., 2008) از دلایل دیگر کاهش عملکرد دانه در اثر تنش خشکی است. Glover و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که مصرف ۲۰ گرم سلنیوم در هکتار در شرایط تنش خشکی با بهبود فعالیت آنزیم‌های آنتی اکسیدانی و خشی کردن گونه‌های فعال اکسیژن سبب افزایش عملکرد دانه نسبت به شاهد گردید. این افزایش عملکرد را می‌توان به نقش سلنیوم در تولید اسید آسکوربیک و گلوکاتایون نسبت داد که نقش اکسیداسیون- احیا برای محافظت از گیاه در برابر تنش‌های محیطی را دارا هستند (Lanza and Reis, 2021). مطالعات گوناگون نشان داده است که محلول پاشی اسید آسکوربیک از طریق تأثیر بر فرآیندهای فیزیولوژیکی از جمله تحریک فعالیت‌های تنفسی، تقسیم سلولی و فعالیت‌های آنزیمی سبب افزایش عملکرد دانه گندم می‌شود (Hafez and Gharib, 2016). محلول پاشی با متانول ۲۱ درصد سبب افزایش وزن هزار دانه، عملکرد دانه و عملکرد بیولوژیک آفتابگردان نسبت به شاهد شد (Dawood et al., 2013).

کاربرد متانول اختلاف معنی داری را شامل نشد. کمترین عملکرد دانه (۱۷۳۸/۲۲ کیلوگرم در هکتار) نیز تحت شرایط بدون استفاده از تنظیم کننده حاصل شد. براساس نتایج مشخص گردید که محلول پاشی سلنیوم، اسید آسکوربیک و متانول در مقایسه با شاهد (بدون محلول پاشی) عملکرد دانه را به ترتیب ۱/۱، ۸/۳ و ۷/۱ درصد بهبود بخشید (جدول ۷).

اثر متقابل آبیاری در تنظیم کننده نشان داد که بالاترین عملکرد بیولوژیک با محلول پاشی سلنیوم تحت شرایط آبیاری تکمیلی در مرحله دانه بندی (۴۱۰۶ کیلوگرم در هکتار) به دست آمد که با کاربرد اسید آسکوربیک و متانول تحت همین سطح آبیاری تفاوت معنی داری را از نظری آماری دارا نبود (شکل ۱). کمترین میزان این شاخص از ترکیب تیماری بدون محلول پاشی و بدون آبیاری (۳۲۳۵ کیلوگرم در هکتار) حاصل گردید. تحت شرایط بدون آبیاری تکمیلی عملکرد بیولوژیک با کاربرد سلنیوم ۲/۵ درصد، اسید آسکوربیک ۱۳/۴ درصد و متانول ۴/۹ درصد در مقایسه با شرایط بدون کاربرد تنظیم کننده ارتقا یافت (شکل ۱).

گزارش شده است که کاهش عملکرد بیولوژیک گندم تحت شرایط تنش خشکی، به دلیل کاهش ارتفاع گیاه و شاخ و برگ و کاهش ظرفیت مخزن برای جذب مواد فتوسنتزی و نیز کاهش دوره رشد دانه است (Liang et al., 2001). از دلایل

نتیجه‌گیری

تنش کم آبی سبب افزایش محتوای پرولین، قندهای محلول، هدایت الکتریکی، پروتئین دانه، انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته و ساقه و سهم آن‌ها در عملکرد دانه و کاهش عملکرد دانه، صفات مورفولوژیکی و محتوای نسبی آب گردید. در صورتی که کاربرد تنظیم‌کننده‌های رشد محتوای قندهای محلول، عملکرد دانه، عملکرد بیولوژیک، ارتفاع بوته، وزن صد دانه، محتوای نسبی آب و پروتئین دانه را افزایش و هدایت الکتریکی و انتقال مجدد ماده خشک از کل بوته و ساقه و سهم آن‌ها در عملکرد دانه را کاهش داد. محلول‌پاشی تنظیم‌کننده‌های رشد گیاهی به واسطه تعدیل اثرات مضر ناشی از محدودیت آبی و در نتیجه بهبود فتوسنتز جاری در جهت تأمین آسمیلات‌های لازم برای پر شدن دانه میزان انتقال مجدد ماده خشک را کاهش دادند. مشخص شد که کاربرد سلنیوم، متانول و اسید آسکوربیک تحت شرایط عدم آبیاری تکمیلی از طریق

بهبود عملکرد و صفات مورفولوژیک و کاهش هدایت الکتریکی و نیز افزایش تجمع اسمولیت‌های سازگار از قبیل پرولین و قندهای محلول تا حدودی اثرات سوء ناشی از کم آبی بر روی گندم را کاهش داده است. از این‌رو می‌توان در راستای بهبود رشد و عملکرد گندم در شرایط دیم محلول‌پاشی این تنظیم‌کننده‌های رشدی و نیز انجام آبیاری تکمیلی را پیشنهاد کرد.

سیاسگزاری

بدین وسیله از حمایت دانشگاه لرستان و همکاران گرامی دانشکده کشاورزی در اجرا و اتمام این پژوهش تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- خیری‌زاده آروق، یونس، سیدشریفی، رئوف، صدقی، محمد، و برمکی، مرتضی (۱۳۹۴). اثر کودهای زیستی و نانواکسید روی بر فرآیند انتقال مجدد و برخی شاخص‌های رشدی تربیتکاله در شرایط محدودیت آبی. *فیزیولوژی گیاهان زراعی*، ۷(۲۶)، ۳۷-۵۶.
- DOR: 20.1001.1.2008403.1394.7.26.3.0.
- ساجدی، نورعلی، مدنی، حمید، حبیبی، داود، و پژاکی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سلنیوم و اسید سالیسیلیک بر انتقال مجدد، فتوسنتز جاری و عملکرد دانه ارقام گندم در شرایط دیم. *تولید گیاهان زراعی در شرایط تنش‌های محیطی*، ۴(۱)، ۱-۱۴.
- عیسی‌زاده پنجعلی خرابسی، جابر، گلوی، محمد، و رمودی، محمود (۱۳۹۴). اثر محلول‌پاشی متانول بر برخی ویژگی‌های کمی و کیفی سویا تحت تنش خشکی. *به‌زراعی کشاورزی*، ۱۷(۴)، ۱۰۸۵-۱۰۷۵. <https://doi.org/10.22059/jci.2015.55152>
- Abdel-Motagally, F. M. F., & El-Zohri, M. (2018). Improvement of wheat yield grown under drought stress by boron foliar application at different growth stages. *Journal of the Saudi Society of Agricultural Sciences*, 17(2), 178-185. <https://doi.org/10.1016/j.jssas.2016.03.005>
- Annunziata, M. G., Ciarmiello, L. F., Woodrow, P., Maximova, E., Fuggi, A., & Carillo, P. (2017). Durum wheat roots adapt to salinity remodeling the cellular content of nitrogen metabolites and sucrose. *Frontiers in Plant Science*, 7, 2035. <https://doi.org/10.3389/fpls.2016.02035>
- Ashraf, M., & Foolad, M. R. (2007). Roles of glycine betaine and proline in improving plant abiotic stress resistance. *Environmental and Experimental Botany*, 59(2), 206-216. <https://doi.org/10.1016/j.envexpbot.2005.12.006>
- Asseng, S., & van Herwaarden, A. F. (2003). Analysis of the benefits to wheat yield from assimilates stored prior to grain filling in a range of environments. *Plant and Soil*, 256, 217-239. <https://doi.org/10.1023/A:1026231904221>
- Azmat, A., Yasmin, H., Hassan, M. N., Nosheen, A., Naz, R., Sajjad, M., Ilyas, N., & Akhtar, M. N. (2020). Co-application of bio-fertilizer and salicylic acid improves growth, photosynthetic pigments and stress tolerance in wheat under drought stress. *PeerJ*, 8, e9960. <https://doi.org/10.7717/peerj.9960>
- Bahrani, A., Sharif Abad, H. H., Sarvestani, Z. T., Moafpourian, G. H., & Band, A. A. (2011). Remobilization of dry matter in wheat: Effects of nitrogen application and post-anthesis water deficit during grain filling. *New Zealand Journal of Crop and Horticultural Science*, 39(4), 279-293. <https://doi.org/10.1080/01140671.2011.599397>

- Balouchi, H. R., Sanavy, S. M., Emam, Y., & Dolatabadian, A. (2009). UV radiation, elevated CO₂ and water stress effect on growth and photosynthetic characteristics in durum wheat. *Plant, Soil and Environment*, 55(10), 443-453. <https://doi.org/10.17221/1024-PSE>
- Bates, L. S., Waldren, R. A., & Teare, I. D. (1973). Rapid determination of free proline for water-stress studies. *Plant and Soil*, 39, 205-207. <https://doi.org/10.1007/BF00018060>
- Behboudi, F., Tahmasebi-Sarvestani, Z., Kassaei, M. Z., Modarres-Sanavy, S. A. M., Sorooshzade, A., & Mokhtassi-Bidgoli, A. (2019). Evaluation of chitosan nanoparticles effects with two application methods on wheat under drought stress. *Journal of Plant Nutrition*, 42(13), 1439-1451. <https://doi.org/10.1080/01904167.2019.1617308>
- Bolarin, M. C., Santa-Cruz, A., Cayuela, E., & Perez-Alfocea, F. (1995). Short-term solute changes in leaves and roots of cultivated and wild tomato seedlings under salinity. *Journal of Plant Physiology*, 147, 463-468. [https://doi.org/10.1016/S0176-1617\(11\)82184-X](https://doi.org/10.1016/S0176-1617(11)82184-X)
- Broadley, R., Martin, F., & John, A. (2010). Selenium biofortification of high yielding winter wheat (*Triticum aestivum* L.) by liquid or granular Se fertilization. *Plant and Soil*, 332, 5-18. <https://doi.org/10.1007/s11104-009-0234-4>
- Cattivelli, L., Rizza, F., Badeck, F. W., Mazzucotelli, E., Mastrangelo, A. M., Francia, E., Mare, C., Tondelli, A., & Stanca, A. M. (2008). Drought tolerance improvement in crop plants: an integrated view from breeding to genomics. *Field Crops Research*, 105(1-2), 1-14. <https://doi.org/10.1016/j.fcr.2007.07.004>
- Chelah, M. C., Nordin, M. N. B., Isa, M. B. M., Khanif, Y. M., & Jahan, M. S. (2011). Composting increases BRIS soil health and sustains rice production. *Science Asia*, 37(4), 291-295. <https://doi.org/10.2306/scienceasia1513-1874.2011.37.291>
- Cunhua, S., Wei, D., Xiangling, C., Xinna, X., Yahong, Z., Dong, S., & Jianjie, S. (2010). The effects of drought stress on the activity of acid phosphatase and its protective enzymes in pigweed leaves. *African Journal of Biotechnology*, 9(6), 825-833. <https://doi.org/10.5897/AJB09.1253>
- Davidson, D. J., & Chevalier, P. M. (1992). Storage and remobilization of water-soluble carbohydrates in stems of spring wheat. *Crop Science*, 32(1), 186-190. <https://doi.org/10.2135/cropsci1992.0011183X003200010038x>
- Davis, S., Turner, N. C., Siddique, K. H. M., Plummer, J., & Leport, L. (2009). Seed growth of desi and kabuli chickpea (*Cicer arietinum* L.) in a short season Mediterranean-type environment. *Australian Journal of Experimental Agriculture*, 39, 181-188. <https://doi.org/10.1071/Ea98134>
- Dawood, M. G., El-Lethy, S. R., & Sadak, M. S. (2013). Role of methanol and yeast in improving growth, yield, nutritive value and antioxidants of soybean. *World Applied Sciences Journal*, 26(1), 6-14. <https://doi.org/10.5829/idosi.wasj.2013.26.01.13476>
- Dolatabadian, A., Modarresi Sanavy, S. A. M., & Asilan, K. S. (2010). Effect of ascorbic acid foliar application on yield, yield component and several morphological traits of grain corn under water deficit stress conditions. *Notulae Scientia Biologicae*, 2(3), 45-50. <https://doi.org/10.15835/nsb.2.3.4717>
- Dubios, M., Gilles, K. A., Hamilton, J. K., Roberts, P. A., & Smith, F. (1956). Colorimetric method for determination of sugars and related substances. *Annals of Chemistry*, 28, 350-356. <https://doi.org/10.1021/ac60111a017>
- El-Kholy, M. A., & Gaballah, M. S. (2005). Productivity of wheat cultivars as affected by seeding methods and reflectant application under water stress condition. *Journal of Agronomy*, 4, 23-30. <https://doi.org/10.3923/ja.2005.23.30>
- Farooq, M., Wahid, A., Kobayashi, N., Fujita, D., & Basra, S. M. A. (2009). Plant drought stress: Effects, mechanisms and management. *Sustainable Agriculture*, 29, 153-188. <https://doi.org/10.1051/agro:2008021>
- Gadallah, M. A. A. (2000). Effects of acid mist and ascorbic acid treatment on the growth, stability of leaf membranes, chlorophyll content and some mineral elements of *Carthamus tinctorius*, the safflower. *Water, Air, and Soil Pollution*, 118, 311-327. <https://doi.org/10.1023/A:1005191220530>
- Ghaffari, H., Tadayon, M. R., Nadeem, M., Cheema, M., & Razmjoo, J. (2019). Proline-mediated changes in antioxidant enzymatic activities and the physiology of sugar beet under drought stress. *Acta Physiologiae Plantarum*, 41, 1-13. <https://doi.org/10.1007/s11738-019-2815-z>
- Glover, J. D., Borevitz, J., Brummer, E. C., & Buckler, E. S. (2014). Increasing food and ecosystem security through perennial grain breeding and selenium. *Science*, 335, 364-379. <https://doi.org/10.1126/science.1188761>
- Gout, E., Aubert, S., Bligny, R., Rebeille, F., Nonomura, A. R., Benson, A., & Douce, R. (2000). Metabolism of methanol in plant cells. Carbon-13 nuclear magnetic resonance studies. *Plant Physiology*, 123, 287-296. <https://doi.org/10.1104/pp.123.1.287>
- Habibi, G. (2013). Effect of drought stress and selenium spraying on photosynthesis and antioxidant activity of spring barley. *Acta Agriculturae Slovenica*, 101(1), 31-39. <https://doi.org/10.2478/acas-2013-0004>
- Hafez, E. M., & Gharib, H. S. (2016). Effect of exogenous application of ascorbic acid on physiological and biochemical characteristics of wheat under water stress. *International Journal of Plant Production*, 10(4), 579-596. DOI: <https://doi.org/10.22069/IJPP.2016.3051>
- Han-Wens, S., Jing, H., Shu-Xuan, L., & Wei-Jun, K. (2010). Protective role of selenium on garlic growth under cadmium stress. *Communications in Soil Science and Plant Analysis*, 41, 1195-1204.

- <https://doi.org/10.1080/00103621003721395>
- Hasanuzzaman, M., Al Mahmud, J., Anee, T. I., Nahar, K., & Islam, M. T. (2018). Drought stress tolerance in wheat: Omics approaches in understanding and enhancing antioxidant defense. In: *Abiotic Stress-Mediated Sensing and Signaling in Plants: An Omics Perspective*. (eds. Zargar, S. and Zargar, M.) Pp. 267-307. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-10-7479-0_10
- Huve, K., Christ, M. M., Kleist, E., Uerlings, R., Niinemets, U., Walter, A., & Wildt, J. (2007). Simultaneous growth and emission measurements demonstrate an interactive control of methanol release by leaf expansion and stomata. *Journal of Experimental Botany*, 58(7), 1783-1793. <https://doi.org/10.1093/jxb/erm038>
- Lanza, M. G. D. B., & Reis, A. R. D. (2021). Roles of selenium in mineral plant nutrition: ROS scavenging responses against abiotic stresses. *Plant Physiology and Biochemistry*, 164, 27-43. DOI: 10.1016/j.plaphy.2021.04.026
- Liang, J., Zhang, J., & Cao, X. (2001). Grain sink strength may be related to the poor grain filling of indica-japonica rice (*Oryza sativa* L.) hybrids. *Physiologia Plantarum*, 112(4), 470-477. <https://doi.org/10.1034/j.1399-3054.2001.1120403.x>
- Madhaiyan, M., Poonguzhali, S., Sundaram, S. P., & Sa, T. (2006). A new insight into foliar applied methanol influencing phylloplane methylotrophic dynamics and growth promotion of cotton (*Gossypium hirsutum* L.) and sugarcane (*Saccharum officinarum* L.). *Environmental and Experimental Botany*, 57(1-2), 168-176. <https://doi.org/10.1016/j.envexpbot.2005.05.010>
- Maghsoudi, K., Emam, Y., Niazi, A., Pessarakli, M., & Arvin, M. J. (2018). P5CS expression level and proline accumulation in the sensitive and tolerant wheat cultivars under control and drought stress conditions in the presence/absence of silicon and salicylic acid. *Journal of Plant Interactions*, 13(1), 461-471. <https://doi.org/10.1080/17429145.2018.1506516>
- Mohammadkhani, N., & Heidari, R. (2007). Effects of drought stress on protective enzyme activities and lipid peroxidation in two maize cultivars. *Pakistan Journal of Biological Sciences*, 10(21), 3835-3840. <https://doi.org/10.3923/pjbs.2007.3835.3840>
- Naghavi, M. R., Moghaddam, M., Toorchi, M., & Shakiba, M. R. (2016). Evaluation of spring wheat cultivars for physiological, morphological and agronomic traits under drought stress. *Journal of Crop Breeding*, 8(18), 64-77. <https://doi.org/10.29252/jcb.8.18.64>
- Nawaz, F., Ahmad, R., Ashraf, M. Y., Waraich, E. A., & Khan, S. Z. (2015). Effect of selenium foliar spray on physiological and biochemical processes and chemical constituents of wheat under drought stress. *Ecotoxicology and Environmental Safety*, 113, 191-200. <https://doi.org/10.1016/j.ecoenv.2014.12.003>
- Noreen, S., Sultan, M., Akhter, M. S., Shah, K. H., Ummara, U., Manzoor, H., Ulfat, M., Alyemeni, M. N., & Ahmad, P. (2021). Foliar fertigation of ascorbic acid and zinc improves growth, antioxidant enzyme activity and harvest index in barley (*Hordeum vulgare* L.) grown under salt stress. *Plant Physiology and Biochemistry*, 158, 244-254. <https://doi.org/10.1016/j.plaphy.2020.11.007>
- Papakosta, D. K., & Gagianas, A. A. (1991). Nitrogen and dry matter accumulation, remobilization, and losses for Mediterranean wheat during grain filling. *Agronomy Journal*, 83(5), 864-870. <https://doi.org/10.2134/agronj1991.00021962008300050018x>
- Ramberg, H. A., Bradly, J. S. S., Olseon, I. S. C., Nishio, J. N., Markwell, J., & Osterman, J. C. (2002). The role of menthal in promising plant growth: an update. *Journal of Plant Biochemistry and Biotechnology*, 1, 113-126.
- Ramirez, I., Dorta, F., Espinoza, V., Jimenez, E., Mercado, A., & Pena-Cortes, H. (2006). Effects of foliar and root applications of methanol on the growth of Arabidopsis, tobacco, and tomato plants. *Journal of Plant Growth Regulation*, 25, 30-44. <https://doi.org/10.1007/s00344-005-0027-9>
- Razavizadeh, R., Ehsanpour, A. A., Ahsan, N., & Komatsu, S. (2009). Proteome analysis of tobacco leaves under salt stress. *Peptides*, 30, 1651-1659. <https://doi.org/10.1016/j.peptides.2009.06.023>
- Sales, E., Canizares, E., Pereira, C., Perez-Oliver, M. A., Nebauer, S. G., Pavlovic, I., Novak, O., Segura, J., & Arrillaga, I. (2022). Changing temperature conditions during somatic embryo maturation result in *Pinus pinaster* plants with altered response to heat stress. *International Journal of Molecular Sciences*, 23(3), 1-16. <https://doi.org/10.3390/ijms23031318>
- Scharf, P. C., Shannon, D. K., & Latchern, N. R. (2015). Sensor based selenium application producer chosen rates on wheat demonstrations. *Agronomy Journal*, 107, 445-458. <https://doi.org/10.2134/agronj2011.0164>
- Sharma, R., Bhardwaj, R., Thukral, A. K., Al-Huqail, A. A., Siddiqui, M. H., & Ahmad, P. (2019). Oxidative stress mitigation and initiation of antioxidant and osmoprotectant responses mediated by ascorbic acid in *Brassica juncea* L. subjected to copper (II) stress. *Ecotoxicology and Environmental Safety*, 182, 109436. <https://doi.org/10.1016/j.ecoenv.2019.109436>
- Shewry, P. R., & Hey, S. J. (2015). The contribution of wheat to human diet and health. *Food and Energy Security*, 4(3), 178-202. <https://doi.org/10.1002/fes3.64>
- Tavakkoli, A. R., & Oweis, T. Y. (2004). The role of supplemental irrigation and nitrogen in producing bread wheat in the highlands of Iran. *Agricultural Water Management*, 65(3), 225-236. <https://doi.org/10.1016/j.agwat.2003.09.001>

- Xu, S. M., Liu, L. X., Woo, K. C., & Wang, D. L. (2007). Changes in photosynthesis, xanthophyll cycle, and sugar accumulation in two North Australia tropical species differing in leaf angles. *Photosynthetica*, 45, 348-354. <https://doi.org/10.1007/s11099-007-0059-4>
- Zhao, W., Liu, L., Shen, Q., Yang, J., Han, X., Tian, F., & Wu, J. (2020). Effects of water stress photosynthesis, yield, and water use efficiency in winter wheat. *Water*, 12(8), 1-19. <https://doi.org/10.3390/w12082127>

Evaluating the effect of selenium, methanol, and ascorbic acid on some morphophysiological traits of wheat (*Triticum aestivum* L.) under different irrigation levels

Forouzan Khodaei, Razieh Khalilzadeh*, Khosro Azizi

Department of Plant Production and Genetics Engineering, Faculty of Agriculture, Lorestan University, Khorramabad, Iran
(Received: 2025/04/11, Accepted: 2025/07/08)

Abstract

Using plant growth regulators and supplementary irrigation is one approach for increasing production while avoiding the negative impacts of drought stress. A split-plot experiment was conducted in a randomized complete block design with three replications during 2023-2024. Experimental treatments include irrigation at three levels [supplementary irrigation at the flowering stage, grain filling stage, and without irrigation (rainfed)], and plant growth regulators at four levels include foliar application of selenium, ascorbic acid, methanol, and water as a control. Water deficit stress increased the content of proline, soluble sugars, electrical conductivity, grain protein, and dry matter remobilization from shoot organs and stem, as well as their contribution to grain yield, whereas growth regulators increased the content of soluble sugars and grain protein while decreasing electrical conductivity and dry matter remobilization from shoot organs and stem and their contribution to grain yield. The results showed that supplementary irrigation at the flowering and grain-filling stages increased grain yield by 5.9 and 12.6%, respectively, compared to the no-irrigation conditions. Also, foliar application of selenium, ascorbic acid, and methanol improved grain yield by 1.1, 8.3, and 7.1%, respectively, compared to the control (no foliar application). It appears that foliar spraying plant growth regulators and supplementary irrigation has somewhat mitigated the negative effects of drought stress. As a result, it is possible to suggest the use of these growth regulators and supplementary irrigation in rainfed conditions in order to increase wheat yield and yield components.

Keywords: Grain protein, Plant growth regulator, Proline, Soluble sugars, Supplementary irrigation

Corresponding author, Email: Khalilzadeh.r@lu.ac.ir